

سکینه سلیقه دار، دبیر تاریخ شهر تهران

# گشت و گذاری در قونیه



مسجد  
شمس تبریزی

## مقدمه

شهر قونیه که در بخش آناتولی مرکزی ترکیه واقع شده است، آثار تاریخی زیادی متعلق به دوران سلجوقیان روم دارد و پر از جاذبه‌های معماری مانند مساجد و مدرسه‌هایی است که شکوه و زیبایی معماری آن دوران را به نمایش گذاشته‌اند.

نماد شهر قونیه مزار مولانا جلال‌الدین است که اندیشه‌های او، نماد صبر و تسامع در جامعه ترکیه است.

اندیشه‌های مولانا به‌رغم گذشت چندین قرن از زندگی وی همچنان الگو و راهنمای مردمی در سراسر جهان است. در مورد مولانا مطالب زیادی نوشته شده و می‌شود. همچنان می‌توان از بزرگی شخصیت مولانا و آثار او سخن گفت. این نوشتار تلاشی کوچک است، هم در توصیف فضای شهر قونیه در زمان نگارش مثنوی اثر عظیم مولانا، و هم در توصیف حال و هوای امروز این شهر.

کلیدواژه‌ها: قونیه، مولانا، ترکی، سماع



مقبره مولانا

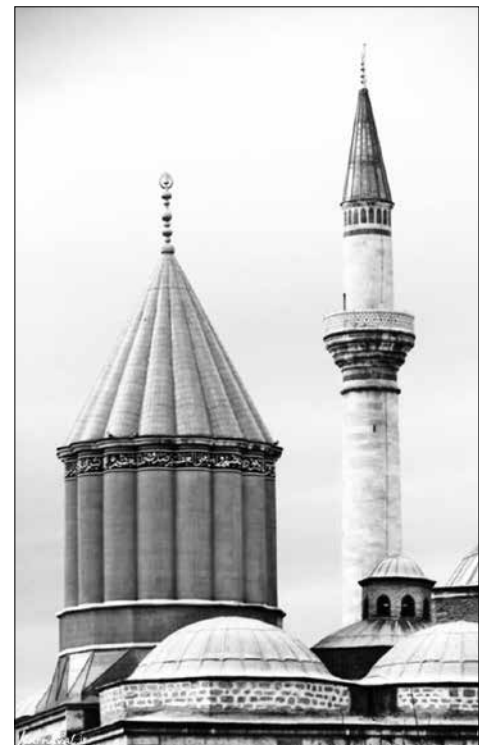
و یحبّ الجمال». هنرمند مسلمانی که این کلام متبرک را فهم کرده و در جهان واقعی این «جمال» را جست‌وجو می‌کند، می‌داند آن چیزی که او تفحص می‌کند همان خداوند متعال است. امروز نیز همه این آثار ارزشمند به شایستگی نگهداری و مرمت می‌شوند. هنرمندان امروز ترکیه حاصل تلاش و ذوق هنرمند دیروز را تخریب نمی‌کنند بلکه از آن ایده می‌گیرند و در خلق آثار جدید به کار می‌برند. مسلمانان ترک در طول چند قرن در سرتاسر این

## نگاهی به هنر ترکی - اسلامی

وجود بناهای اسلامی و مساجد تاریخی بی‌نظیر در کشور ترکیه همچنان محکم و با شکوه ایستاده و برکل جامعه مدرن امروز ترکیه تسلط دارند. رساتر از هر صدا و تبلیغی بوی اصالت و پاکی می‌دهند و عظمت و جلال و یگانگی خداوند را فریاد می‌زنند. هنر معماری، در دنیایی که فنا و زوال ویژگی اصلی آن است رنگ و بویی از ابدیت دارد. «الله جمیل

در گذشته قونیه را «دارالمعرفه»، «دارالارشاد» و «دارالموحیدین» گفتند

مقبره مولانا



### قونیه

منطقه به فتوحات زیادی دست یازیده‌اند و در پی آن به توسعه مساجد، مدارس، عمارت‌ها، حمام‌ها، بیمارستان‌ها، قنات‌ها، چشمه‌ها، و مقابر مقدسه و متبرکه اقدام کرده‌اند.

این فعالیت‌ها چنان ثمرات پربرکتی داشته است که علی‌رغم گذشت سال‌ها می‌توان در منطقه آسیای صغیر بناهایی را مشاهده کرد که پس از پشت سر گذاشتن قرن‌ها هنوز سر پا ایستاده‌اند.

قونیه<sup>۱</sup> از شهرهای آباد و قدیمی ترکیه است. در قرون دوازدهم و سیزدهم این شهر پایتخت ترک‌های سلجوقی بود. قونیه برای ما ایرانی‌ها شهری بسیار آشناست و آن به خاطر مرقد شاعر و عارف، **جلال‌الدین محمد مولوی** است. به همین دلیل هم عاشقان شعر و ادب فارسی همواره علاقه دارند به قونیه سفر کنند. مولوی خود زاده بلخ یا وخت در خراسان بزرگ (که اکنون بخش‌هایی از آن واقع در افغانستان و تاجیکستان است) بود. وی در خردسالی با خانواده‌اش به آسیای صغیر هجرت کرد. دیوان مثنوی در قونیه سروده شد.

### نام قونیه

نام قونیه در منابع کهن به صورت ایکونیون<sup>۲</sup> ایکونیوم<sup>۳</sup> و استانکونا<sup>۴</sup> آمده است. ایکونیون از کلمه ایکون<sup>۵</sup> به معنی شمایل گرفته شده است. در اساطیر یونان آمده که براین شهر ازدهایی چیره شده بود که گه‌گاه حمله می‌کرد و گروهی از زنان و دختران را می‌بلعید. سرانجام پرسپوس<sup>۶</sup> ژوپیترا<sup>۷</sup> این ازدها را کشت و مردم شهر را از بلای او رها کرد. مردم شهر نیز به پاس این رشادت، تصویر پرسپوس را به یکی از دروازه‌های شهر آویختند و شهر را ایکونیون (تصویر) نام نهادند. این وجه تسمیه وقتی که در حفاری از این شهر سکه‌هایی به دست آمد که بر روی آن‌ها تصاویری از پرسپوس و ازدها دیده می‌شود، تأیید شد. رومیان این شهر را ایکونیوم می‌خواندند که در دوره سلجوقیان به اختصار قونیه خوانده شد که در منابع فارسی و عربی هم به شکل قونیه تلفظ می‌شود. اما در ترکی امروز به آن کونیا گویند.

### برخی ویژگی‌های شهر قونیه

کاوش‌هایی که در «تیپه‌علاءالدین» در مرکز این شهر صورت گرفته، نشان می‌دهد که ۲ هزار سال قبل از میلاد، مردمانی در این مکان زندگی می‌کرده‌اند. شواهد باستان‌شناسی موجود نشان می‌دهد که سکونت در این منطقه به عصر نوسنگی باز می‌گردد. بنابراین باید گفت که این شهر شاهد تمدن‌های عصر مس، عصر برنز، هیتی‌ها، ایرانیان، رومیان و بیزانس بوده است.

قونیه در ابتدا تحت فرمان هیتی‌ها بود. از آثار هیتی‌ها در قونیه می‌توان به افلاطون بیناری اشاره کرد که تخته‌سنگی با نقش‌های برجسته است و روی چشمه‌ای بنا شده است. گفته می‌شود مزار افلاطون نیز در قونیه قرار دارد. یاقوت حموی در کتاب «معجم‌البلدان» به این نکته اشاره کرده و در کتاب «مناقب‌العارفین» شمس‌الدین احمد افلاکی نیز به این مکان با نام دیر افلاطون اشاره شده است. (افلاکی، ۱۳۸۶: ۲۷۶)

- در نیمه دوم قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی بعد از شکست دیوژن از آپ ارسلان سلجوقی در نبرد ملازگرد، آسیای صغیر به دست مسلمانان افتاد و قونیه به سلیمان پسر قتلمش از خاندان سلجوقی سپرده شد و این شهر تا سال ۷۰۰ هـ / ۱۳۰۰ م میلادی پایتخت سلجوقیان آسیای صغیر بود. از سال ۴۷۰ هـ / ۱۰۷۷ م میلادی تا ۷۰۰ هـ / ۱۳۰۰ م شانزده سلطان سلجوقی در قونیه سلطنت کردند تا سرانجام سلسله آنان به دست مغولان و ترکان عثمانی منقرض شد. در گذشته قونیه را «دارالمعرفه»، «دارالارشاد» و «دارالموحیدین» گفتند.

### نگاهی به قونیه امروز

- وقوع جنگ جهانی اول، آثار منفی زیادی بر شهر قونیه گذاشت که از جمله کاهش نیروی انسانی و تخریب بافت‌های شهری بود اما در مجموع شهر تا امروز بافت اصلی خود را حفظ کرده است.  
- یکی از دیدنی‌ترین آثار قونیه شهر **زیرزمینی باستانی** آن است که زمانی پناهگاه مردم در زمان جنگ بوده است. این شهر زیرزمینی همانند شهرهای معمولی دارای کلیسا، انبار غذا،

قبرستان، انبار آب و ... می‌باشد.

- از دیدنی‌های دیگر قونیه **کاخ سلجوقی** است که در دوره سلطان قلیچ ارسلان بنا شده و سپس به‌وسیله سلطان علاءالدین کیقباد وسعت یافته است که به آن کاخ علاءالدین هم می‌گویند.

- **تپه علاءالدین** قونیه، یک تپه مصنوعی یا به عبارتی پارکی در وسط شهر است. در این تپه مسجد قدیمی علاءالدین، بقایای یک کاخ قدیمی و یک کتیبه مرمری بسیار کهن موجود است.

- **موزه باستان‌شناسی قونیه**، که آثاری از یونان و روم باستان گرفته تا دوران نوسنگی، عصر آهن و ... را در خود جای داده از دیگر دیدنی‌های قونیه است.

- **مسجد جامع عزیزیه**، مسجدی قدیمی با نقاشی و رنگ آمیزی منحصر به فردی از معماری است.

- **مسجد سلطان سلیم** در کنار موزه مولانا قرار دارد و یکی از آثار زیبای معماری کلاسیک دوره عثمانی است.

- **مقبره آتش باز** که بنایی متعلق به آشپز و خدمتکار وفادار مولاناست.

- ترکیبی از جاذبه‌های طبیعی که زیستگاه بسیاری از حیوانات این منطقه است و دارای گونه‌های جانوری کم‌نظیر است، مجموعاً جاذبه طبیعی این شهر را تشکیل می‌دهد.

## قونیه و مولانا جلال‌الدین

مثنوی را به گلی تشبیه کرده‌اند که بوی عطرش مشام جهانیان را آکنده است. با آنکه آثار مولوی به عموم جهانیان تعلق دارد، ولی ایرانیان و فارسی‌زبانان بهره خود را از او بیشتر می‌دانند، چرا که آثار او به زبان پارسی سروده شده، و از فرهنگ ایرانی بیشترین تأثیر را پذیرفته است.

داستان‌های مثنوی عموماً با فرهنگ ایران آن روزگار منطبق بوده است. داستان کبودی زدن قزوینی نمونه‌ای بارز از این‌گونه تأثیر فرهنگی ایران بر مثنوی و مولوی است. (مولوی، ۱۳۶۲: ۱۴۷)

نام کامل مولوی محمدبن محمدبن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی است و با القاب مولوی، مولانا، مولوی رومی و ملای رومی نیز نامیده می‌شود. در برخی از اشعارش تخلص او

را خاموش و خموش و خامش دانسته‌اند. زبان مادری وی فارسی بوده است. مولوی متولد ۶۰۴ ه. ق در بلخ (سرزمینی در شمال شرق خراسان) است و در زمان تصنیف آثارش (همچون مثنوی) در قونیه می‌زیست. بنا به روایات مستندی که در دست است بهاء‌الدین محمدبن حسین بن احمد خطیبی پدر مولانا جلال‌الدین بلخی در سال ۶۱۷ یا ۶۱۸ هجری از بلخ بیرون آمد و از راه بغداد به مکه رفت و از آنجا به ارزجان و ملطیه سفر کرد و چهار سال در آنجا اقامت گزید و پس از آن به لارنده رفت و سپس به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد به قونیه و باقی عمر در آنجا بود تا بدرود حیات گفت. (احمدی ۱۳۹۴: ۴۱۹)

دوران سلطنت علاءالدین کیقباد با وجود تهدیدهایی که از جانب ایلخان مغول وجود داشت، از درخشان‌ترین سال‌های حکومت سلجوقیان در آسیای صغیر به حساب می‌آید. قونیه در این دوره پایتخت بود و بر اثر علاقه و توجه ویژه سلجوقیان به علم و هنر و همچنین فاصله بسیار این شهر از فتنه مغول عدّه بی‌شماری از اکابر علم و دانش در آنجا مجتمع شده بودند. به عبارت بهتر قونیه در قرن هفتم محل تلاقی سه فرهنگ اساسی دنیای قدیم به شمار می‌رفت، زیرا از یک طرف به دلیل مهاجرت ایرانیان و دانشمندان ایرانی، زبان فارسی و شعر و ادب فارسی، در این شهر رواج گسترده پیدا کرد و از طرف دیگر زبان عربی که زبان قرآن و معارف دینی است، در آنجا دارای تشخص و امتیاز بود و به موازات آن فرهنگ و تمدن یونان نیز که از طریق امپراتوری روم به آنجا وارد شده بود، رونقی داشت. (همان، ۴۲۰) مولانا جلال‌الدین در چنین شرایطی بالید و در قونیه نشو و نما یافت و قسمت عمده‌ای از زندگانی پربرکت خود را در این شهر سپری کرد و همچون پدر خود در آنجا دار فانی را وداع گفت. قونیه در این زمان از طرفی مرکز اختلاط مذاهب و از طرف دیگر مجمع اهل تصوف بود و به عبارتی یک شهر چند ملیتی به شمار می‌آمد. اقوام مختلف در سایه دولت سلجوقی و به تسامح و رواداری آن‌ها درباره ادیان و مذاهب با یکدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشتند و با یکدیگر ارتباط فرهنگی

یکی از دیدنی‌ترین آثار قونیه شهر زیرزمینی باستانی آن است که زمانی پناهگاه مردم در زمان جنگ بوده است. این شهر زیرزمینی همانند شهرهای معمولی دارای کلیسا، انبار غذا، قبرستان انبار آب و ... می‌باشد



**آثار مولانا تأثیر زیادی روی ادبیات و فرهنگ ترکی نیز داشته است. به دلیل اینکه اکثر جانشینان مولوی در طریقه صوفی‌گری مربوط به او از ناحیه قونیه بودند، برخی مولوی‌شناسان بر این باورند که در دوران مولوی، زبان مردم کوچه و بازار شهر قونیه، زبان فارسی بوده است. مولانا بسیاری از اشعار مولانا را در این شهر سروده است. در خصوص اینکه چرا مولانا عنوان خاموش را در بعضی غزل‌هایش آورده است، می‌توان گفت مولانا در پایان چندین سال انتظار و جست‌وجو، وجود شمس را که به دنبال یک غیب‌ناگهانی او آنرا گم کرده بود در وجود خود باز یافت و از همین احساس اتحاد با او بود که غزل‌های خود را از همان آغاز عشق شمس با تخلص و نام او سرود و عنوان خاموش هم که در مقطع بعضی غزل‌ها آورد یا اشارت به شمس بود که گویی مولانا از زبان او سخن می‌گفت یا اشارت به مولانا که گویی نی‌ای بی‌زبان محسوب می‌شد و هر آوازی از او برمی‌آمد از شمس بود که در او دمیده بود. بدین گونه، مولانا که خود مجموعه غزلیات دیوان کبیر خویش را دیوان شمس تلقی می‌کند، با این کار نه فقط الهام غزل‌ها را به شمس منسوب می‌یابد. بلکه شمس را گوینده واقعی آن غزل‌ها می‌نگرد. (زرین کوب، ۱۳۹۰: ۱۰۷)**

### آرامگاه مولانا

آرامگاه مولانا با منظره خیره‌کننده و کاشی‌های سبز خود مشهورترین ساختمان قونیه به شمار می‌آید.

این مقبره که در حال حاضر به عنوان سمبل شهر قونیه از آن یاد می‌شود، در واقع محل سکونت پدر و خانواده مولوی به هنگام اقامت ایشان در قونیه بوده است. پدر مولانا پس از مرگ در همین خانه به خاک سپرده شد و مجالس سماع مولانا نیز در همین خانه برگزار می‌شده است. مولانا نیز پس از مرگ در همین مکان دفن شد. در مراسم تدفین او که مشایخ بزرگ شهر از جمله صدرالدین قونوی و سراج‌الدین ارموی بر وی نماز خواندند. نه فقط انبوه کثیری از مسلمانان همراه با اعیان و امرای بزرگ ولایت حاضر بودند، تعداد زیادی

برقرار می‌کردند. مثنوی عظیم مولانا جلال‌الدین که در واقع حاصل تمام معارف و تجارب عرفانی مسلمان است تنها از حیث کمیت نزدیک دو برابر کمدی الهی دانتیه و یا به اندازه مجموع دو منظومه ایلیاد و اودیسه یونانی است؛ اما از حیث کیفیت چنان اوج و عظمت روحانی بی‌نظیری را ارائه می‌کند که در تمام قله‌های بزرگ شعر انسانی جلوه و شکوه دسترس‌ناپذیر و خیره‌کننده دارد. این شاهکار عظیم تصوف و عرفان ایران تقریباً نیم‌قرن یا کمتر، قبل از کمدی الهی دانتیه به وجود آمد. با این همه، در هنگام ولادت آن، شعر عرفانی ایران نزدیک به چهار قرن سابقه را در پس و پشت خویش داشت. (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۷۳) آن همدلی و تعمقی هم که برای فهم مثنوی لازم است از آن روست که مثنوی در واقع بیشتر با دل و جان خواننده سر و کار دارد تا با عقل و ادراک او، و از همین روست که خود او می‌گوید «محرمان هوش جز بیهوش نیست» و گویی از خواننده می‌خواهد که علاوه بر فهم نکته‌یاب، دلی حساس هم داشته باشد. بدون این همدلی ادراک احوال صوفی و عارف میسر نیست و وقتی خود او می‌گوید: «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق» در واقع نشان می‌دهد که جز با نوعی همجوشی و همدلی نمی‌توان در قلمرو مثنوی نفوذ کرد. (همان، ۲۷۶)

آثار مولانا تأثیر زیادی بر ادبیات و فرهنگ ترکی



قونیه - مسجد علاءالدین

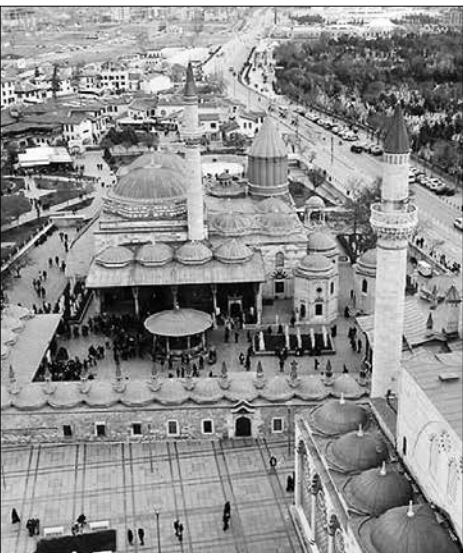




**از دیگر موزه‌های مهم و دیدنی قونیه، می‌توانیم به موزه اثرهای چینی قاره‌ای، موزه اینچه مناره، موزه باستان‌شناسی، موزه آتاتورک، موزه آنتوگرافی، موزه قویون اوغلی، موزه چوب و سنگ‌های کنده‌کاری شده، موزه کاشی (مدرسه کارتای) اشاره کنیم**



### قونیه



سماع نکرده بود اما تأثیر ناگهانی شخصیت شمس تبریزی بر او وی را در تاریخ به جایی رساند که مسند تدریس و حلقهٔ مریدان را فرو گذاشت و تمام وجود خود را وقف تجارب روحانی و عرفانی کرد. حتی رقص و سماع را که نزد غالب فقها و مفتیان وقت با کراهیت تلقی می‌شد رسم و شیوهٔ خود کرد. (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۲۸۵)

از دیگر موزه‌های مهم و دیدنی قونیه، می‌توانیم به موزه اثرهای چینی قاره‌ای، موزه اینچه مناره، موزه باستان‌شناسی، موزه آتاتورک، موزه آنتوگرافی، موزه قویون اوغلی، موزه چوب و سنگ‌های کنده‌کاری شده، موزه کاشی (مدرسه کارتای) اشاره کنیم.

قونیه علاوه بر موزه‌ها دارای اماکن دیدنی دیگری نظیر دهکده تاریخی سیله در هشت کیلومتری شمال غربی قونیه، مسجد زیبا و دیدنی سلیمیه، کاروانسرای سلطان هانی، تپه علاءالدین، شهر سنگی باستانی کلیسترا در دهکده گوگورت قونیه، و باغ‌ها، کلیساها، مساجد و ... است.



### پی‌نوشت‌ها

1. konya
2. Iconion
3. Iconium
4. Stuncona
5. Icon
6. Perseus
7. Jupitre

### منابع

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد؛ **مثنوی معنوی**، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۲. احمدی، محمد؛ **فصلنامه نسیم شرق**، مأخذ اصلی تمثیل **خورندگان پیل بچه در مثنوی**، مجله مطالعات ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی، شماره سوم، تهران، ۱۳۹۴
۳. زرین کوب، عبدالحسین؛ **جست‌وجو در تصوف ایران**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۴. زرین کوب، عبدالحسین؛ **سر نی**، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۰
۵. افلاکی، شمس‌الدین احمد؛ **مناقب العارفین**، تهران: نشر اقبال، ۱۳۸۶
۶. تاتلی، بکیر؛ **فلسفه هنر ترکی - اسلامی**، ترجمه فخرالدین غلامزایی، مجله علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت شماره ۴، ۱۳۸۶.

7. planetware

یهود و نصاری شهر هم به خاطر تسامح بی‌نظیر دینی او حضور یافته بودند.

همچنین بهاء‌الدین، پسر مولانا، بعضی از اقوام و یاران و مریدان وی از جمله صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی نیز در این مکان آرمیده‌اند. این تربت در سال ۱۳۹۶ با مناره‌ای از چینی روکشی شده است. این مکان که به‌عنوان تربت مولانا جلال‌الدین شناخته شده بود در سال ۱۹۳۸ به‌عنوان موزهٔ مولانا بازسازی شد و در آن آثاری مربوط به زمان مولانا، سازهای موسیقی، نمونه‌های خط و قالی به نمایش گذاشته شده است. در کنار آرامگاه مولانا، مدرسه دینی درویش‌ها قرار دارد که به موزه تبدیل گردیده و در آن دست‌نوشته‌های مولانا و انواع هنرهای دستی آن دوره به نمایش گذارده شده است. مقبره مولانا دارای گنبد بزرگ سبز رنگ ۱۶ وجهی است که مخروطی در بالای آن قرار دارد که با هنر کاشی‌کاری آیه‌الکرسی بر آن نقش بسته است. این گنبد در سال ۱۳۹۷ میلادی توسط کارابن اوغلو ساخته شد. در بالای در ورودی مقبره، این بیت شعر به زبان فارسی نوشته شده است:

کعبه العشاق باشد این مقام

هر که ناقص آمد اینجا شد تمام

هر ساله دوستداران مولانا در ۲۷ آذر (۱۷ دسامبر) که مصادف با سالگرد وفات مولاناست و شب عروس (Arus) نامیده می‌شود از اطراف و اکناف ترکیه و جهان بر مرقد او حاضر می‌شوند تا شاهد مراسم ویژه بزرگداشت وی در شهر قونیه باشند. در این روزها بوی عود و نوای نی فضایی روحانی به‌وجود می‌آورد. پس از عبور از کنار قبرها می‌توان از موزه نیز بازدید کرد. (قبرهایی که فاقد کلاه مخصوص می‌باشند متعلق به بانوان است) همچنین در این موزه آثار به‌جا مانده از گذشتگان از جمله البسه، کلاه، تسبیح، جانماز، قرآن‌های دست‌نویس و کتب نفیس دیگر، دیوان حافظ و سایر اشیای قدیمی به نمایش گذاشته شده است.

توجه مولانا به سماع در جاودانه شدن این آئین در میان درویشان به‌ویژه مولویه بی‌تأثیر نبوده است. مولانا ابتدا همانند پدرش، بهاء‌ولد، مشغول درس گفتن و وعظ و مجاهده بود و هرگز